

درس اول:

نقشه نوشتن

این شهر خوش نقشه
این نقشه اول نوشته یار خن لریم
چیکه یو یو چوسه یلی یلیه سوی ان
خو طول سفر ایستگاه اول
سور این شهر هم اول است ایستگاه
اگر در این شهر هم اول است ایستگاه
سفر نوشتن ایستگاه اول ایستگاه
و نقشه شماره سفر نوشتن

این نقشه اول نوشته یار
چیکه یو یو چوسه یلی یلیه سوی ان
خو طول سفر ایستگاه اول
سور این شهر هم اول است ایستگاه
اگر در این شهر هم اول است ایستگاه
سفر نوشتن ایستگاه اول ایستگاه
و نقشه شماره سفر نوشتن
معمولاً در صورتی که نوشتن
هر وقت نوشتن این شهر
تکامل یافته اند و بعضی از
این شهر خوش
این نقشه اول نوشته یار
چیکه یو یو چوسه یلی یلیه سوی ان
خو طول سفر ایستگاه اول
سور این شهر هم اول است ایستگاه
اگر در این شهر هم اول است ایستگاه
سفر نوشتن ایستگاه اول ایستگاه
و نقشه شماره سفر نوشتن
معمولاً در صورتی که نوشتن
هر وقت نوشتن این شهر
تکامل یافته اند و بعضی از
این شهر خوش

نقشه نوشتن

با ورود معلّم به کلاس، شور و نشاط دانش‌آموزان، بیشتر شد. معلّم خوش‌فکر، درس را آغاز کرد و گفت: می‌دانم که شما نوشتن را از همان سال‌های آغازین دبستان، آموخته‌اید اما از امسال، چگونه نوشتن را به‌طور روشمند، خواهید آموخت. اکنون، اجازه بدهید با یک مثال، کمی بیشتر توضیح دهیم.

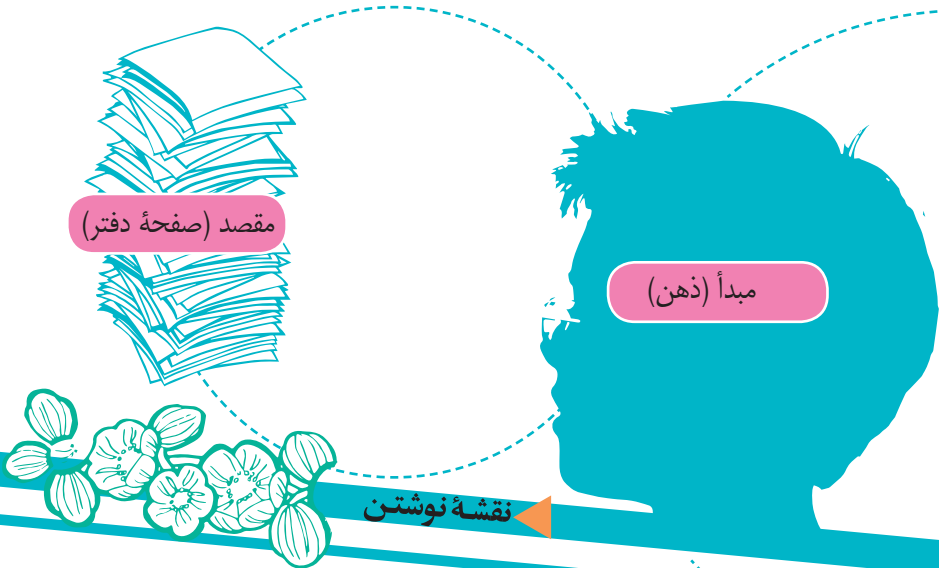
عزیزانم، نویسندگی شبیه یک سفر است؛ یک سفر واقعی و گاه خیالی؛ یک سفر خاطره‌انگیز و پرماجرا. در سفر نویسندگی، من و شما همراهانی هستیم که می‌خواهیم به شهری بسیار زیبا، پرنقش‌ونگار و دلفریب، رهسپار شویم. پیش از سفر، لازم است هم من و هم شما به پرسش‌هایی فکر کنیم و به آنها پاسخ دهیم:

- این شهر خوش‌نقش‌ونگار، کجاست؟
- آیا نقشه‌ای از آن در دست یا در ذهن داریم؟
- چگونه و با چه وسیله‌ای باید به سوی آن برویم؟

- در طول سفر، ایستگاه‌ها و استراحتگاه‌هایی وجود دارد؟
- مسیر این شهر، هموار است یا از سرگردانه‌ها و از دل دره‌ها می‌گذرد؟

اگر دربارهٔ این پرسش‌ها بیندیشیم و نقشهٔ راه را ترسیم کنیم و ابزار مورد نیاز را فراهم نماییم، آن‌گاه، می‌توانیم سفر نوشتن را آغاز کنیم؛ بی‌آنکه نگرانی و هراسی داشته باشیم.

به نظر شما، در سفر نوشتن، نقطهٔ آغاز و پایان کجاست؟ معمولاً تصور می‌شود که نوشتن بانگارش کلمات بر روی صفحهٔ کاغذ شروع می‌شود، در حالی که هر نوشته، پیش از خودنمایی بر پهنهٔ کاغذ، در ذهن نویسنده، طبقه‌بندی و نوشته می‌شود. هر قدر این فرایند (نگارش و طبقه‌بندی ذهنی) کامل‌تر باشد، نوشتهٔ ما چشمگیرتر خواهد بود؛ بنابراین در سفر نوشتن، نقطهٔ آغاز حرکت، «ذهن» است و خط پایان سفر «صفحهٔ دفتر» شماس.



اکنون باید مسیر ذهن تا صفحهٔ دفتر را مشخص کنیم و ببینیم با کدام نقشه می‌توانیم آنچه در ذهن داریم، آسان‌تر بر صفحهٔ دفتر بیاوریم. طبقه‌بندی ذهن، گام اول در تهیهٔ نقشهٔ سفر نوشتن است؛ این طبقه‌بندی، در حقیقت، ساختمان ذهن و نوشتهٔ ما را نشان می‌دهد. در نمایهٔ زیر، **مسیر حرکت و مراحل سفر نوشتن** را می‌بینیم:

موضوع

بخش آغازین

بخش میانی

بخش پایانی

شکل‌گیری چنین ساختاری در ذهن نویسنده، مسیر نوشتن را برای او هموار می‌سازد و زمانی که شروع به نوشتن می‌کند، برای خودش کاملاً روشن است که چه می‌خواهد بنویسد. نتیجه این طبقه‌بندی ذهنی و تسلط بر مطلب، نوشتن متنی دقیق و منسجم است. متن‌های دقیق و منسجم، خوانندگان را سردرگم نمی‌کنند. یکی از راه‌های نظم دادن به ذهن و نوشته، طراحی **ساختمان نوشته** است. شکل زیر، **ساختمان ساده و طبقه‌بندی اولیه ذهن و نوشته** را نشان می‌دهد.

The form is a large rectangular box with a light blue border. It is divided into four main sections, each with a label in a rounded rectangle at the top right of the section:

- موضوع (Topic):** A light green section at the top, containing two horizontal dotted lines for writing.
- بخش آغازین (Beginning):** A light blue section below the topic, containing three horizontal dotted lines for writing.
- بخش میانی (Middle):** A light brown section below the beginning, containing six horizontal dotted lines for writing. To the right of this section are three labels in rounded rectangles: **بند اول (First Paragraph)**, **بند دوم (Second Paragraph)**, and **بند سوم (Third Paragraph)**.
- بخش پایانی (Ending):** A light yellow section at the bottom, containing two horizontal dotted lines for writing.

Decorative elements include a cluster of stylized flowers at the top center and bottom center of the form. On the left side, there is a vertical column of ten diamond-shaped markers.

اکنون نوشته زیر را با هم بخوانیم و به نقشه ذهنی و ساختمان نوشته، توجه کنیم:



موضوع

دل، آشیانه محبت

بخش آغازین

هر چیزی، مرکزی دارد. قلب و مرکز بدن ما انسان‌ها **دل** است که مخزن و گنجینه وجود به شمار می‌آید. این گنجینه، نیاز به مراقبت دارد.

بخش میانی

اگر راستش را بخواهید دلم خالی از زشتی‌ها، پاک و سفید است. من در فضای دلم هیچ جست‌وجویی ندارم که همه حرف‌ها را برایم بیابد و به من نشان دهد؛ اما در دلم توان و نیرویی بسیار فعال است و دوست و دشمن، راستی و دروغ و خوبی و بدی را فوراً شناسایی می‌کند و به هر کس اجازه ورود نمی‌دهد. به همین سبب، در دلم جز خوبی‌ها چیزی نیست. در دلم به روی دوستان، همیشه باز است تا آزادانه بیایند و بروند و هر روز به تعداد دوستانم افزوده شود. تلاش می‌کنم تا دوستان را نرنجانم. از کسانی که با لطف و محبت می‌خواهند دلشان را پاک و بی‌کینه و زیبا نشان بدهند، خوشم می‌آید؛ چون آنها آدم‌های مهربانی هستند؛ هم خود را و هم دیگران را دوست می‌دارند. این، کار بسیار خوبی است.

بخش پایانی

دل، اصلی‌ترین بخش خانه وجود ماست. همه ارزش دل‌ها به سادگی و پاکی آنهاست. شادابی و سرزندگی یک کشور هم به جوانانی وابسته است که دلی پاک و بی‌کینه، اما استوار و بی‌باک دارند. پس دل‌مان را سرشار از نور ایمان و لبالب از حضور دوستان کنیم.



◆ نوشته‌ی زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند با دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما پرسند «چند زبان داریم؟» جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما با کمی تأمل، درمی‌یابیم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و با دیگران سخن بگوییم. ما افزون بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش دست تکان می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و احوالش را می‌پرسیم.

هنگامی که مُبصرِ کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ساکت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم، پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکتِ سر، چشم، ابرو و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

◆◆ اکنون از میان موضوع‌های زیر یکی را انتخاب کنید، نخست کمی درباره آن
ببندیشید و پس از شکل‌گیری نقشه ذهنی، سفر نوشتن را آغاز کنید:

◆ پاییز ◆ حیاط مدرسه ◆ روزی را که دوست دارم، تکرار شود

موضوع:

Blank writing area with horizontal lines for text.



◆◆◆ یکی از انشاهای عضو گروه خود را انتخاب و آن را بر پایه معیارهای زیر، بررسی و نقد کنید.

سنجه‌های ارزیابی:

- ◆ داشتن پیش‌نویس (داشتن نگاشتِ اوّل)؛
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط‌املائی، توجه به درست‌نویسی و حاشیه‌گذاری)؛
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (بخش آغازین، بخش میانی و بخش پایانی)؛
- ◆ شیوه خواندن.

نتیجه بررسی و داوری :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصّش گرفت.

جملهٔ الف، درست است. در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست؛ مگر در گفت‌وگوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ هر کی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

.....

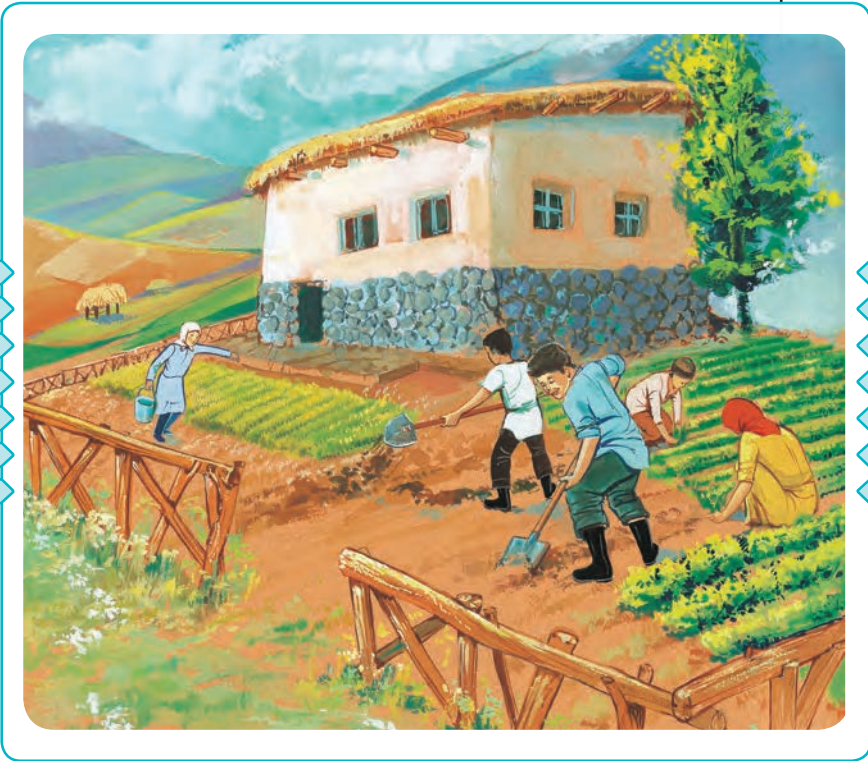
◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگران بشی.

.....

تصویر نویسی

انشای آزاد

◆ آنچه در تصویر زیر می‌بینید؛ بنویسید.



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



آیا خواننده نوشته شما بدون اینکه تصویر را ببیند، می‌تواند تنها با خواندن نوشته شما تصویری از آن داشته باشد؟